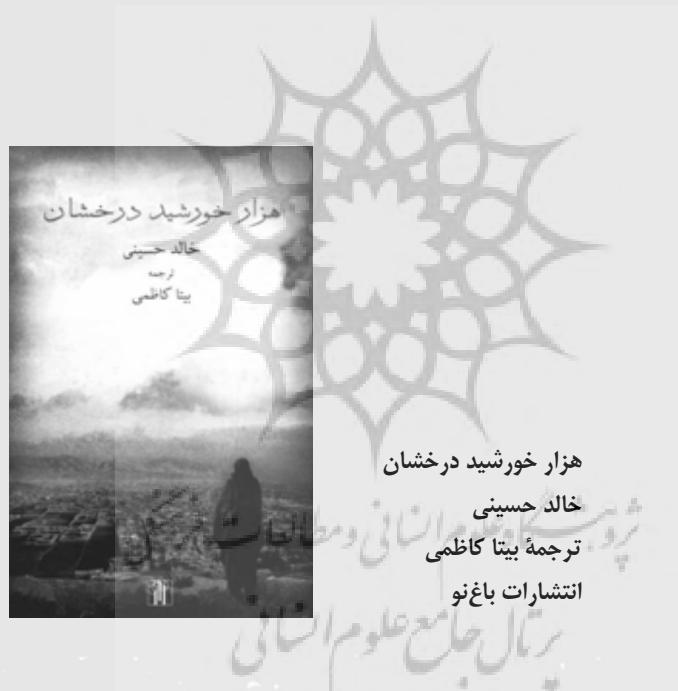


# هزار خورشید در خشان

علیرضا آقایی راد



حسینی، فارغ از دیدگاههای سیاسی او و جایگاهش در نزد مردم افغان، در این اثر خود نیز از پس پردازش شخصیت‌ها و هر چه نزدیکتر کردن آنها به واقعیتی که مدنظرش بوده برآمده. خط سیر داستان نیز هم به نویسنده این امکان را داده است که شخصیت‌هایی محکم و قابل قبول بیافریند و هم به خواننده این امکان را می‌دهد که با قرار گرفتن در فضایی باوریزیر و عینی با آدمهای قصه به راحتی همدات‌پنداری کرده و از خواندن رمان لذت ببرد.

به نظر می‌رسد هر چند ترجمهٔ ضعیف، بی‌دقیق و بعضًا عجولانهٔ مترجم این اثر ضربه‌ای غیرقابل انکار به زیبایی کلامی (و در نتیجه خوانش رمان) وارد آورده ولی باز هم خواندن رمان جدید حسینی، با توجه به پیشینهٔ وی خالی از لطف نخواهد بود.

هنوز مدت زمان زیادی از انتشار رمان بادبادک باز به قلم خالد حسینی در ایران نمی‌گذرد که دومین رمان این نویسنده افغان نیز وارد بازار شد. این رمان با نام ترجمه شده «هزار خورشید در خشان» به وسیله «انتشارات باغ‌نو» و ترجمه «بیتا کاظمی» روانه بازار شده است.

رمان جدید حسینی (هزار خورشید در خشان) نیز مانند رمان قبلی این نویسنده حول محور افغانستان می‌گذرد؛ با این تفاوت که این بار زن افغانی نقش اصلی و محوری را در این اثر به عهده دارد. حسینی در این رمان رابطه و تقابل دختری از قشر سنتی افغانستان را با دختری از خانواده روشنفکر به تصویر کشیده است. خود حسینی سفر چند سال قبلش به افغانستان و هم صحبتی با تعدادی از زنان افغان را دستمایه نگارش این رمان بیان کرده است.